


The Course of the Historical Development of the Qur'anic Interval

Ali Asghar Akhundi * Assistant Professor of Islamic Studies, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran.

Abstract


Since the Qur'an is the word of God and has great honor and greatness, religious scholars believed that the use of terms such as "Naskh" and "Rhyme" which were common among people, is not permissible for the Qur'an. Therefore, the term "distance" was used by adapting it from the Qur'an itself. The spread of this term was accompanied by ups and downs at the beginning, but gradually it stood on its own feet and was noticed as a scientific science of the Qur'an. This article, with a descriptive-analytical method, seeks to answer the basic question of how this term came about and how it was defined throughout history. According to the available documents, it should be said that the word "interval" was used for the first time by Saibawaieh for the ending of the verses, and after him, Zajjaj brought it up next to the beginning of the verse. Rommani is also the first person who officially and seriously defined it and expanded it. In the contemporary era, there have been changes in the definition of the past.

Keywords: Verse Intervals, Definition of Interval, Evolution of Interval, Verbal Interval, Implied Interval.

* Corresponding Author: ali15as51@shahroodut.ac.ir

How to Cite: Akhundi, Ali Asghar. (2022). "The Course of the Historical Development of the Qur'anic Interval". *Journal of Seraje Monir*. 13(44). 87-113.

سیر تطور تاریخی «فاصله» قرآنی

علی اصغر آخوندی*  استادیار معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

چکیده

از آنجا که قرآن کلام خداوند است و شرافت و عظمت بسیار بالایی دارد، عالمان دین اعتقاد داشتند که استعمال اصطلاحاتی مانند «نسخ» و «قافیه» که میان مردم رایج بود، برای قرآن جایز نیست. از این رو، اصطلاح «فاصله» با اقتباس از خود قرآن مورد استفاده واقع شد. رواج این اصطلاح در ابتدا با فراز و فرودهایی همراه بود، اما به تدریج بر پاهای خود استوار ایستاد و به عنوان علمی از علوم قرآن مورد توجه قرار گرفت. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که چگونگی پیدایش و سیر این اصطلاح و تعریف آن در طول تاریخ چگونه بوده است؟ بر اساس اسناد و مدارک موجود، باید گفت اولین بار واژه «فاصله» به وسیله سیبویه برای فرجام آیات به کار رفت و بعد از او، زجاج آن را در کنار رأس آیه مطرح کرد. رمائی نیز اولین کسی است که به صورت رسمی و جدی آن را تعریف نمود و بدان پر و بال داده است. در دوران معاصر نیز تحولاتی در تعریف گذشتگان صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: فواصل آیات، تعریف فاصله، تطور فاصله، فاصله لفظی، فاصله دلالتی.

۱. مقدمه

قرآن، کلام خداوند است و شرافت و عظمت بسیار بالایی دارد. از این رو، اصطلاحاتی برای آن انتخاب شد که بین مردم رایج نبود، ضمن اینکه در نثر و نظم عربی نیز استعمال نشده باشد. اصطلاحاتی مانند «سوره» و «آیه» در قرآن آمده‌است، اما برای پایان آیه، واژه‌ای وجود ندارد. واژه‌های رایجی چون «سجع» را به دلیل اینکه از صدای پرنده گرفته شده‌است و «قافیه» را نیز به علت اینکه خداوند متعال شعر را از پیامبر و قرآن سلب کرده‌است (ر.ک؛ یس / ۶۹ و الحاقه / ۴۱)، شایسته ندانسته‌اند و در عوض، اصطلاح «فاصله» را از قول خدای تعالی اقتباس کرده‌اند؛ چنان که می‌فرماید: Π كِتَابٌ اُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ O (هود / ۱) و Π كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ O (الفصلت / ۳) (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۵۴؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۸؛ لاشین، ۱۴۰۲ ق: ۶ و خرقانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). پایان آیات را از آن رو «فاصله» نامیده‌اند که میان دو کلام جدایی ایجاد می‌کند و با آن، آیه از ما بعدش جدا می‌شود.

با مشاهده مباحث مربوط به فاصله قرآنی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چگونگی پیدایش و سیر این اصطلاح و تعریف آن در طول تاریخ چگونه بوده‌است؟

۲. پیشینه پژوهش

هر کدام از قرآن پژوهان با توجه به شرایط روزگار خود، به نحوی به این موضوع پرداخته‌اند، به طوری که این بحث را ضمن کتاب‌های علوم قرآنی و اعجاز و بلاغت و یا جداگانه مورد مذاقه و بررسی قرار داده‌اند. البته بیشتر ضمن تعریف از فاصله، به مباحث کلی آن پرداخته‌اند و نمونه‌هایی را ذکر کرده‌اند. از جمله کسانی که به این سؤال پرداخته‌است که چه کسی اولین بار اصطلاح فاصله را به کار برد، «حسنای» است که در کتاب *الفاصله فی القرآن* به این موضوع پرداخته‌است. البته در مقاله حاضر، بسیاری از مطالب ایشان مورد نقد واقع شده‌است.

نگارنده در مقاله «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی» (آخوندی، ۱۳۹۵) به موضوع تعریف فاصله نزد عالمان شیعه و اهل سنت پرداخته است، اما در اینجا به روش توصیفی، تحلیلی و انتقادی، موضوع سیر و تطور این اصطلاح را مورد توجه قرار داده که به نظر می‌رسد در زمینه فاصله، کاری نو و بدیع است.

۳. معنای لغوی «فاصله»

کلمه «فاصله»، اسم فاعل از ریشه «ف ص ل» به معنای چیزی است که با جداسازی دو قسمت از یکدیگر، باعث تمیز دادن و آشکار شدن آن‌ها می‌گردد. ابن فارس این کلمه را چنین معنا کرده است: «فاء و صاد و لام، کلمه صحیحی است که دلالت بر تمیز دادن چیزی از چیز دیگر و آشکار ساختن آن دارد» (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۴: ۵۰۵). فیروزآبادی نیز گفته است: «فصل، دیوار بین دو چیز است و محل به هم پیوستگی دو استخوان از بدن مفصل است» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ ق.، ج ۱: ۱۰۴۲). «فاصله، مهره‌ای است که بین دو مهره دیگر در یک رشته قرار می‌گیرد و نظم موجود را از هم جدا می‌سازد» (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۷: ۱۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۱۱: ۵۲۱ و ازهری، ۲۰۰۱ م.، ج ۳۰: ۱۶۳).

۳. بحث و بررسی

۳-۱. پیدایش اصطلاح «فاصله»

یکی از موضوعات مهم، بررسی چگونگی توجه متقدمان به فاصله در قرون اولیه است. از این رو، پرسش مهم این است که برای اولین بار چه کسی اصطلاح «فاصله» را برای پایان آیات به کار برد؟

از آنجا که بسیاری از نوشته‌های اولیه دوران اسلامی به ما نرسیده، تحقیق در این زمینه، بسیار سخت است (ر.ک؛ حسناوی، ۱۴۰۶ ق.، ۳۳). با مطالعه احادیث پیامبر اکرم (ص)، تفسیر منسوب به ابن عباس و رجوع به کتاب المعجم المفهرس لألفاظ الحدیث النبوی و جستجو در نرم‌افزارهای حدیثی نمی‌توان ردی از اصطلاح «فاصله» یا «فواصل» در صدر اسلام به

دست آورد. بنابراین، برای پاسخ به این پرسش باید نحوه توجه عالمان اولیه را نسبت به این واژه بررسی کنیم.

خلیل بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۵ ق.) واژه «فواصل» را به معنای عام و در تعریف سجع به کار برده است: «سجع الرَّجُل: إذا نطق بكلام له فواصل كَقَوَافِي الشَّعْرِ مِنْ غَيْرِ وَزْنٍ» (فراهیدی ۱۴۱۰ ق.)، ج ۱: ۲۱۴؛ یعنی «مقاطع یک کلام که در شعر قافیه و در نثر سجع خوانده می شود». روشن است که خلیل «فواصل» را فقط برای پایان جملات و جایگاه استراحت در کلام به کار برده است و مقاطع آیات را با این عنوان نخوانده است. بنابراین، با بررسی کتاب العین، اینکه گفته شده خلیل اولین کسی است که فواصل را برای اواخر آیات به کار برده است (ر. ک؛ مرسی، ۱۴۲۰ ق.: ۱۱)، صحیح نیست و ایشان فقط بین مفهوم سجع و فواصل (به معنای عام) ارتباط برقرار کرده، آن را مقارن با قافیه در شعر دانسته است.

اگرچه در کتاب العین، نشانه ای نیست مبنی بر اینکه نویسنده فواصل را بر مقاطع آیات اطلاق کرده باشد، اما شاگرد او، سیبویه (م. ۱۸۰ ق.)، این اصطلاح را برای مقاطع آیات استفاده کرده است. وی در کتاب می نویسد: «فَالْفَوَاصِلُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: Π وَاللَّيْلُ إِذَا يَسُرُّ O (الفجر / ۴)، Π مَا كُنَّا نَبْغِ O (الکهف / ۶۴)، Π يَوْمَ التَّنَادِ O (الغافر / ۳۲) و Π الْكَبِيرُ O (المرعد / ۹)» (سیبویه، بی تا، ج ۱: ۳۷۹). با توجه به این متن، سیبویه فواصل را به مقاطع آیات قرآن اطلاق کرده است، گرچه مثال دوم که از سوره کهف آورده، پایان آیه نیست.

حسناوی سه مطلب را از این متن نتیجه گرفته است که عبارتند از:

الف. واضح است که اصطلاح فواصل نزد سیبویه بر اواخر آیات استعمال می شد. این وضوح از کاربرد سه باره آن در یک متن و نیز از نزدیکی و اقتران لفظ «فواصل» که دو بار با واژه «قوافی» به کار رفته است و نیز از شواهد قرآنی مذکور به دست می آید.

ب. این وضوح نشان می دهد که سیبویه اولین کسی نیست که این اصطلاح را به کار برده است؛ زیرا هیچ توضیحی نداده که مرادش از فواصل چیست (یعنی مصطلح بوده است)

و احتمال دارد که آن را از یکی از اساتیدش، مثل خلیل بن احمد که فواصل را با قوافی به کار برده است، گرفته باشد.

ج. این متن، تخطئه کسانی است که گمان می کنند «رمانی» اولین کسی است که فواصل را برای پایان آیات به کار برده است (ر.ک؛ حسناوی، ۱۴۰۶ ق.: ۳۴-۳۵).

اگرچه کلیت سخن حسناوی پذیرفته است، اما آنجا که احتمال داده است که از اساتیدش مثل خلیل بن احمد گرفته، صحیح نیست! دست کم اگر خلیل آن را برای اواخر آیات به کار برده بود، باید در کتاب خود نیز ذکر می کرد. به هر صورت، بر اساس میراث مکتوبی که در اختیار داریم، باید بگوییم سیویه اولین کسی است که اصطلاح فواصل را در کتاب خود به کار برده است.

بعد از خلیل بن احمد و سیویه، نام آشناترین عالم، یحیی بن زیاد فراء (۱۴۴-۲۰۷ ق.) از بزرگان علم نحو در کوفه است. او ضمن کتاب *معانی القرآن*، در توجیه آیات و ترجیح بین قراء، به پایان آیات اهمیت داده است و اصطلاحات «رؤوس آیات» را ۱۱ بار (ر.ک: فراء، بی تا، ج ۱: ۱۶، ۴۴، ۲۰۱، ۲۲۹؛ همان، ج ۳: ۲۲۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۴، ۲۸۳ و ۲۸۷)، «فصول»، ۱ بار (ر.ک؛ همان، ج ۱: ۴۳-۴۴)، «آخر الآیه»، «آخر الحروف» و «اواخر الحروف» را ۳ بار به کار برده است (ر.ک؛ همان، ج ۱: ۱۶، ۲۰۰ و ۲۰۱). می توان نتیجه گرفت که فراء نیز از اصطلاح فاصله و فواصل استفاده نکرده است و ترجیح داده بیشتر از «رؤوس آیات» استفاده کند. این مطلب ثابت می کند که اگرچه سیویه قبلاً در کتاب خود از فاصله بهره برده، اما همچنان در زمان فراء این اصطلاح رایج نبوده است. ابو عبیده معمر بن مثنی بصری (م. ۲۰۹ ق.) نیز اصطلاح «فاصله» را در *مجاز القرآن* به کار نبرده است.

سیوطی از قول ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ (م. ۲۵۵ ق.)، می گوید: «سَمِيَ اللّٰهُ تَعَالَى كِتَابَهُ إِسْمًا مُّخَالَفًا لِمَا سَمِيَ الْعَرَبُ كِتَابَهُمْ، عَلَى الْجُمْلَةِ وَالتَّفْصِيلِ. سَمِيَ جُمْلَتَهُ قِرْآنًا كَمَا سَمَوْا دِيوَانًا، وَبَعْضُهُ سُورَةٌ كَقَصِيدَةٍ وَبَعْضُهُ آيَةٌ كَالْبَيْتِ وَآخَرُهَا فَاصِلَةٌ كَقَافِيَةٍ» (سیوطی، بی تا، ج ۱: ۵۸).

حسناوی می گوید:

«هرچه به دنبال منبعی گشتم که این جمله از آن نقل شده، موفق نشدم آن را بیابم. این متن اهمیت بسیار بالایی دارد... نسبت دادن این متن به ادیب نقاد متکلم، ابو عثمان جاحظ، به دو دلیل کار سختی نیست: اول آنکه موضوع آن در نظم قرآن است و جاحظ ید طولایی در تحقیقات قرآنی، خصوصاً در *البيان والتبيين* و *الحيوان* و نیز به ویژه کتاب مفقودش، *نظم القرآن* دارد. دوم به دلیل منطقی که در این متن وجود دارد و آن، مخالفتی است با آنچه عرب کلام خود را به آن نامگذاری می کند و نیز سیر از کلی به جزئی که در آن است» (حسنای، ۱۴۰۶ق. : ۳۹-۴۰).

نگارنده نیز با جستجو در کتاب های *البيان والتبيين* و *الحيوان* نه تنها چنین جمله ای، بلکه حتی نشانه ای از استعمال اصطلاح «فاصله» نیز نیافت، اما برعکس حسناوی که برای پذیرش سخن منسوب به جاحظ دلایلی آورده است، فکر می کند جای تأمل بیشتر و دقیق تری وجود دارد. از جمله نکات شایسته تأمل اینکه خداوند نام های قرآن، سوره و آیه را به صراحت در کتاب خود به کار برده، اما عنوان «فاصله» در قرآن استفاده نشده است. از این رو، سخنی که می گوید خداوند پایان آیه را فاصله نامیده است، صحیح نیست! نکته دیگر آنکه نام های قرآن، سوره و آیه از همان زمان نزول، کاملاً در بین مردم رایج و معروف بود و در روایات نیز بسیار به کار رفته است. اما اصطلاح فاصله در روایات اسلامی و کتاب های دانشمندان اولیه قبل و هم زمان با جاحظ یا مورد استفاده قرار نگرفته، یا به ندرت به کار رفته است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که در قرون اولیه، این اصطلاح رایج و معروف نبوده است. در صورتی که اصطلاح مقابل آن، یعنی قافیه برای مردم کاملاً شناخته و رایج بوده است. چرا جاحظ و عالمان قبل از وی همچون فرّاء، با توجه به اینکه خداوند پایان آیه را فاصله نامیده، آن را در کتاب های خود به کار نبرده اند؟ در صورتی که نسبت این متن به جاحظ صحیح باشد، باید بپذیریم این واژه در زمان جاحظ رایج شده که البته با توجه با دلایل و قرائن، پذیرش آن نیز سخت است.

محمد بن جریر طبری (م. ۳۱۰ ق.). نیز که ۵۵ سال بعد از جاحظ می زیست، در تفسیر *جامع البيان فی تأویل القرآن* از اصطلاح فاصله و فواصل استفاده نکرده است و فقط اصطلاح «رؤوس الآی» و «مقاطع الکلام» را به کار برده است (ر. ک؛ طبری، ۱۴۲۰ ق.، ج ۱۸: ۲۸۴ و

همان، ج ۲۴: ۱۳۹). با توجه به استفاده نکردن طبری از اصطلاح فواصل، می‌توان نتیجه گرفت که اصطلاح فاصله، حتی ۵۵ سال بعد از جاحظ نیز رسمی و رایج نبوده‌است.

۲-۳. اولین تعریف «فاصله»

ابواسحاق ابراهیم بن سری زجاج (م. ۳۱۱ ق.) که معاصر طبری است، در کتاب معانی القرآن و اعرابه، چندین بار کلمه فاصله و فواصل را در کنار رؤوس آیات به کار برده، آن را معنی کرده‌است؛ از جمله: «وَمَعْنَى فَاصِلَةٍ رَأْسُ آيَةٍ لِيَكُونَ النَّظْمُ عَلَى لَفْظٍ مُتَّسِقٍ، وَيُسَمَّى أَهْلُ اللَّغَةِ رُؤُوسَ الْآيِ الْفَوَاصِلِ، وَأَوَّخِرَ الْآيَاتِ: الْقَوَافِي» (زجاج، ۱۴۰۸ ق.)، ج ۱: ۱۲۱؛ «فَإِذَا كَانَ رَأْسُ آيَةٍ فَأَهْلُ اللَّغَةِ يَسْمَوْنَ أَوَّخِرَ الْآيِ الْفَوَاصِلِ» (همان، ۳۸۹ و ر. ک؛ همان، ج ۳: ۲۷۰ و همان، ج ۴: ۲۱۸). معنا کردن فاصله، بدون معنا نمودن اصطلاحات مشابه، نشان از رواج نداشتن آن و جدید بودن در حوزه ادبیات قرآنی و تفسیری است.

بنابراین، می‌توان ادعا کرد که بر اساس متونی که در اختیار است، اولین بار واژه «فواصل» به وسیله سیویه در کتاب به کار برده شد، اما همچنان این اصطلاح در قرن سوم هجری در میان علما رایج نبود، تا اینکه در اوایل قرن چهارم، برخی از دانشمندان، از جمله زجاج شروع به استفاده و تعریف آن نمودند. کم‌کم این اصطلاح در بین دانشمندان قوت و قدرت می‌گیرد. البته می‌توان این گونه نیز نتیجه گرفت که این اصطلاح در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، در مناطقی از جهان اسلام رایج بود و در مناطقی دیگر، مانند سرزمینی که طبری زندگی می‌کرده، مرسوم نبود. به هر روی، با توجه به این مطالب، در جمله منسوب به جاحظ، به صورت اساسی می‌توان تردید کرد.

نکته دیگر اینکه زجاج دو بار نوشته‌است: «زبان‌شناسان رؤوس آیات را فواصل می‌خوانند»، اما با بررسی کتاب‌های لغت، مانند العین و جمهره اللغة ابن درید (م. ۳۲۱ ق.) به این نتیجه می‌رسیم که این اصطلاح تا زمان زجاج در کتب لغت وارد نشده‌است و شاید منظور زجاج، کاربرد شفاهی آن بین اهل لغت بوده‌است.

حسین بن احمد بن خالویه (م. ۳۷۰ ق.) دو اصطلاح «رؤوس آیات» و «فواصل» را با یکدیگر به کار برده است؛ مثلاً در تفسیر آیه $\text{كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا}$ (الشمس / ۱۱)، استفاده از «طغواها» را برای توافق رؤوس آیات بیان کرده است؛ مانند استفاده از «الرجعی» در آیه $\text{إِنِّي إِلَٰهٌ إِلَٰهِي رَبِّكَ الرَّجَعِي}$ (العلق / ۸) که برای موافقت فواصل است (ر.ک؛ ابن خالویه ۱۳۶۰: ۱۰۳).

از اینکه ابن خالویه و دیگران در کتب خود از هر دو اصطلاح استفاده کرده اند، شاید بتوان این نتیجه را گرفت که هنوز اصطلاح فواصل خیلی رایج نشده است، اما کم کم این اصطلاح برای خود جایی باز کرده، بر قلم نویسندگان مختلفی مانند مفسران، نحویان، متکلمان و لغویان جاری شده است.

۳-۳. تعریف «فاصله»

در نیمه های قرن چهارم به بعد، شاهد تعریف های اصطلاحی فاصله در متون هستیم که به برخی از آن ها اشاره می شود.

۳-۴-۱. تعریف «فاصله» در کتاب لغت

برای اولین بار، ازهری (۲۸۲-۳۷۰ ق.) در *تهذیب اللغه*، فاصله را تعریف کرده است: «وَأَخِرُ اللَّيَاتِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَوَاصِلٌ، بِمَنْزِلَةِ فَوَافِي الشَّعْرِ، وَأَحَدُهَا فَاصِلَةٌ» (ازهری، ۲۰۰۱ م، ج ۱۲: ۱۳۶). همین تعریف از سوی برخی از لغویون، مانند راغب اصفهانی (۵۰۲ ق.) (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۳۹۵) و ابن منظور (م. ۷۱۱ ق.) (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.)، ج ۱۱: ۵۲۴) و برخی دیگر از دانشمندان، همچون ابن خلدون (م. ۸۰۸ ق.) (ر.ک؛ ابن خلدون، بی تا، ج ۱: ۷۸۱) پذیرفته می شود. البته این تعریف بسیار عام، و مدلول آن نیز وسیع است (ر.ک؛ ابوحسان، ۱۴۳۱ ق.: ۹۰). تفاوتی در حروف، کلمه و یا جمله پایانی آیه نیست؛ زیرا شامل هر سه نوع می شود.

۳-۴-۲. اولین تعریف فنی و اصطلاحی فاصله

ابوالحسن علی بن عیسی رمانی (م. ۳۸۶ ق.)، اولین کسی است که به صورت رسمی و مفصل به اصطلاح فواصل پرداخته است و آن را تعریف و تقسیم بندی کرده، حد و مرز آن را با سجع روشن ساخته است. این اصطلاح با قلم رمانی، این توانایی را یافته که بر ساقه های خود استوار گردد، ریشه های خود را پروراند و شاخ و برگش را بر کتابها بگستراند و برای خود حد و مرزی برقرار سازد و به تدریج فصلی تنومند در عرصه مباحثات علوم قرآنی، بلاغی و اعجازی گردد.

رمانی در *النکت فی اعجاز القرآن*، فواصل را پنجمین قسم از اقسام ده گانه بلاغت برشمرده است و دو صفحه به آن اختصاص می دهد. ابتدا آن را به «حروف هم شکل در مقاطع که باعث فهم بهتر معنا می شود» تعریف کرده، آنگاه به تقسیم بندی آن بر اساس حروف پایانی، یعنی دو قسم متجانس و متقارب اقدام نموده است و برای هر کدام نمونه هایی از آیات آورده است (ر.ک؛ رمانی، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۹). بدین گونه رمانی اولین کسی است که مباحث نو و جدیدی در زمینه فواصل پدید آورده که تقریباً در همه نوشته های بعد از خود اثرگذار است.

از جمله مباحثی که رمانی به غنای آن کمک کرد، بحث فاصله و سجع است. او با بیان تفاوت فاصله با سجع، فواصل را بلاغت و سجع را عیب دانسته است و وجود هر گونه سجعی را در قرآن منکر شد. از همین رو، موضوع سجع در قرآن که از قبل طرفداران و مخالفانی داشت، اینک با قلم رمانی کفه ترازو به سود مخالفان سنگین تر شد (ر.ک؛ حسناوی، ۱۴۰۶ ق.: ۱۳۷-۱۳۸ و نصار، ۱۹۹۹ م.، ج ۴۰: ۱۹۴-۱۹۵). البته این بحث بعد از رمانی در محدوده بحث های کلامی اعجاز باقی نماند و به دیگر علوم، از جمله علوم ادبی و بلاغی هم سرایت کرد (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۱۹ ق.: ۲۶۲-۲۶۷).

قاضی ابوبکر محمد بن طیب باقلانی اشعری (م. ۴۰۳ ق.) در *اعجاز القرآن*، مانند رمانی معتزلی و البته مفصل تر از او به بحث فواصل و تفاوت آن با سجع پرداخته، وجود هر گونه سجعی را در قرآن انکار کرده است و در این زمینه، ادعای اجماع بین اصحاب خود نیز

نموده است (باقلانی، ۱۹۹۷م: ۵۷ به بعد). وی فاصله را این گونه تعریف کرده است: «فواصل، حروف هم شکل در مقاطع کلام است که فهم معانی به وسیله آن واقع می شود». باقلانی قافیه، سجع و فاصله قرآنی را باعث آرامش کلام دانسته است و البته چیزی را با فواصل قرآنی شراکت نمی دهد (ر.ک؛ همان: ۶۱).

۳-۵. نقد و تحلیل تعریف رمانی و باقلانی

در شرح تعریف رمانی گفته شده است:

«سخن آنگاه که فواصل داشته باشد، مقاطعش مشخص است. اگر متکلم در مقاطعش توقف نکند و کلام اولش را از دوم جدا نسازد، مقاطعش معلوم نخواهد شد. سرعت فهم در توقف بر مقاطع است؛ زیرا کلام تفصیل یافته متضمن سرعت فهم است. از طرفی، مخاطب به سخن دارای نظم توجه بیشتری دارد؛ زیرا سخنی که از نظر معنا مشکلی ندارد، ولی از نظر نظم دارای تنافر باشد، جانها به آن بی رغبت می شوند و اگر جان از چیزی تنفر پیدا کرد، آن را قبول نمی کند. به دلیل نفرت قلب از تلقی آن، فهمش دچار مشکل می شود، اگرچه اشکالی در معنا نیست» (جرجانی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۱).

چنان که روشن است، گویا شارح کتاب النکت فی اعجاز القرآن (که مصحح احتمال داده عبدالقاهر جرجانی باشد)، درباره این جمله رمانی در تردید بوده است. وی گمان کرده منظور آن است که فواصل باعث جداسازی جملات از یکدیگر شده، هر جمله با جداسازی از جمله بعدی بهتر فهمیده می شود. اما ادامه سخن رمانی می رساند که ایشان چنین منظوری نداشته باشد؛ زیرا اگر این گونه باشد، فرقی بین سجع و فاصله نیست که یکی را عیب دانسته، با آن مخالفت شود و دیگری بلاغت شمرده شود (ر.ک؛ رمانی، ۱۳۸۷: ۹۸). با توجه به آنچه در این شرح آمده است، فواصل بر معانی دلالتی ندارند.

اما منظور رمانی از جمله پایانی تعریف چیست؟ عبدالکریم خطیب که تعریف باقلانی را

بررسی و نقد کرده است، جمله پایانی را چنین توضیح می دهد:

«مراد از جمله "يقع بها إفهام المعانی" این است که این حروف در پی معانی می آید که آیه متضمن آن است و این از پی آمدن، وجه جدیدی را برای آن معانی ظاهر ساخته، آنها وضوح بیشتری پیدا می کنند. همچنین، از وظایف فاصله، خلاصه کردن معنی آیه

است؛ خلاصه‌ای که با آن، معنی مراد آشکار گردد. یا به سخنی دیگر، فاصله، اشاره‌ای روشنی‌بخش به مرکز ثقل آیه است» (خطیب ۱۳۹۵، ج ۲: ۲۰۶-۲۰۷).

محمد حسناوی از رمانی و باقلانی دفاع کرده، نوشته‌است: «مراد رمانی و باقلانی از این عبارت، اشاره به نفی سجع از قرآن است؛ چرا که سجع همان گونه که گفته‌اند، عیب است و فاصله، بلاغت، و اینکه فواصل تابع معانی هستند، ولی در سجع، معانی تابع اسجاع هستند» (حسناوی، ۱۴۰۶ق: ۲۸). در نقد این سخن باید گفت که بر این اساس، فواصل دخالتی در فهم بهتر معانی ندارند و بعید است منظور آن دو چنین چیزی باشد. به نظر می‌رسد آنچه در شرح تعریف رمانی آمده، بهتر پذیرفتنی است؛ یعنی خودِ فاصله به معنی جداسازی دو آیه از یکدیگر است و باعث فهم معانی می‌شود و نه حروف پایانی آن. اما همان گونه که گفته شد، با بقیه سخنان آن‌ها همخوانی ندارد. البته اگر جمله «يَقَعُ بِهَا إِفْهَامُ الْمَعَانِي» و یا «تُوجِبُ حُسْنَ إِفْهَامِ الْمَعَانِي» به همان معنی باشد که خطیب برداشت کرده، نکته مفیدی در آن نهفته‌است که هم رمانی و هم باقلانی به آن اشاره کرده‌اند و آن اینکه فاصله به ما در فهم بهتر معانی کمک می‌کند و این در فواصل طولانی به‌خوبی آشکار است.

از طرفی، در بررسی این تعریف، می‌توان پرسید: منظور از مقاطع کلام چیست؟ آیا پایان جمله منظور است، یا پایان آیه؟ شاید از اینکه رمانی در ادامه می‌گوید: «فواصل، بلاغت هستند و اسجاع، عیب» (رمانی، ۱۳۸۷: ۹۷)، بتوان نتیجه گرفت که پایان آیات منظور است. اگر حروف پایان دو یا چند آیه هم شکل نباشند، آیا به آن‌ها فاصله گفته نمی‌شود؟ بسیاری از آیات با حروف متقارب ختم می‌شوند و حروف پایانی برخی آیات نیز نسبت به آیات قبل و بعد، نه متشاکل است، نه متقارب. در این صورت، پایان این آیات را چه بنامیم؟

۶-۳. تعریف ابوعمرو دانی

ابوعمرو دانی (۴۴۴ ق.)، «فاصله را کلمه آخر جمله» دانسته‌است. به گفته او، «فاصله، کلام تام منفصل از بعد خودش است، حال این کلام منفصل می‌تواند پایان آیه باشد، یا نه. فواصل هم شامل پایان آیات می‌شود و هم غیر آن. هر پایان آیه‌ای، فاصله هست اما هر فاصله‌ای، پایان آیه نیست» (دانی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۶ و زرکشی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۴۹). نویسنده

معاصر، مناع قطع نیز به همین تعریف باور دارد و می نویسد: «منظور ما از فاصله، کلام منفصل از بعدش است و این می تواند پایان آیه باشد و یا نباشد. فاصله، پایان مقطع خطابی واقع می شود. بدین سبب، فاصله نامیده شده است که با آن، کلام جدا می شود» (قطع، ۱۴۱۳ ق.: ۱۵۳).

❖ نقد و ارزیابی

گویا اولین کسی که به این تعریف ایراد گرفته، جعبری (۷۳۲ ق.) بوده که گفته است: «این، خلاف اصطلاح است و دلیلی برای آن نداریم. منظور دانی از فواصل، لغوی است و نه صناعی» (زرکشی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۱: ۱۴۹ و سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۶۶).

آقای مطعنی (۲۰۰۸ م.) درباره این تعریف نوشته است:

«بر اساس این تعریف، فاصله کلمه آخر جمله است، حال فرق نمی کند این

جمله در اول آیه، وسط یا آخر آن باشد. به هر حال، این تعریف، مانع نیست؛ زیرا

فاصله لغوی با فاصله اصطلاحی تداخل پیدا می کند و این در تعریف، عیب است»

(مطعنی، ۱۴۱۳ ق.: ۲۱۸).

همچنین، گفته شده از آنجا که یک آیه بر چند جمله مشتمل است، نمی تواند کلمه آخر جمله فاصله آیه باشد، بلکه فاصله، آخرین کلمه آیه است، تا با تمام شدن آیه، شروع آیه جدید شناخته شود (ر.ک؛ صغیر، بی تا: ۱۴۳).

۳-۷. تعریف زرکشی و سیوطی

بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی (م. ۷۹۴ ق.)، در کتاب البرهان فی علوم القرآن که مجموعه نسبتاً کاملی از علوم قرآنی است، در فصل سوم کتاب با نام «معرفة الفواصل و رؤوس الآی»، به موضوع فواصل پرداخته، مباحث مربوط به آن را تجمیع نموده است (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۱: ۱۴۹ به بعد). پس از زرکشی، یکی از پرکارترین عالمان اسلامی، یعنی جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، در سه کتاب خود، یعنی التحییر فی علم التفسیر، معترك القرآن فی إعجاز القرآن و الإیتقان فی علوم القرآن، موضوع

فواصل را مطرح کرده، درباره آن سخن گفته است. در کتاب *التحییر*، در نوع هشتم و دوم، موضوع فواصل و غایات را بسیار خلاصه آورده است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۲: ۳۰۳)، اما در کتاب‌های *معتزک القرآن* (ر.ک؛ همان، ۱۴۰۸: ۱، ج ۱: ۲۳-۴۳) و *الایتقان* (ر.ک؛ همان، بی تا، ج ۲: ۲۶۶-۲۹۱) جامع تر بحث کرده است. این دو دانشمند علوم قرآنی فاصله را چنین تعریف کرده اند: «فاصله، کلمه آخر آیه است؛ مانند قافیه در شعر و سجع در نثر» (زرکشی، بی تا، ج ۱: ۱۴۹ و سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۶۶). این تعریف بعدها طرفداران زیادی پیدا کرد و در کتاب‌های بسیاری آمد (ر.ک؛ حسناوی، ۱۴۰۶: ۲۶؛ مکی، ۱۴۲۷: ۱، ج ۳: ۲۸۹؛ مطعی، ۱۴۱۳: ۲۱۸؛ صغیر، بی تا: ۱۴۳؛ ابوحسان، ۱۴۳۱: ۹۱؛ نصار، ۱۹۹۹: ۱۹۱-۱۹۳؛ عباس، ۱۹۹۱: ۲۲۱؛ ایبازی، ۱۴۰۵: ۲، ج ۲: ۲۷۵ و رشیدرضا، ۱۳۲۴: ۳۶۹).

❖ نقد و ارزیابی

این تعریف، آیاتی را که حروف مقطعه و یا فقط یک کلمه دارند، شامل نمی‌شود و به همین دلیل، جامع و مانع نیست. زرکشی (ر.ک؛ زرکشی، بی تا، ج ۱: ۱۷۱-۱۷۲) و سیوطی (ر.ک؛ سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۸۲-۲۸۳) و دیگرانی که این تعریف را نقل کرده اند، درباره جملات پایانی آیات، مانند Π فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ O، Π وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ O، Π لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ O، Π أَفَلَا تَعْمَلُونَ O، Π وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ O و... در آیات طولانی و حروف پایانی آیات نیز سخن گفته اند که خارج از این تعریف است.

۸-۳. فواصل نزد معاصران

در دوران معاصر، به ویژه در جهان عرب، تلاش‌های بسیار خوبی صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را در سه گروه زیر دسته‌بندی کرد:

الف. گروهی مانند دکتر احمد احمد بدوی در *من بلاغة القرآن و اساس النقد الأدبی عند العرب*، لیب سعید در *الجمع الصوتی الاول القرآن و مخططاته و التغنی بالقرآن*، همت خود را صرف جمع‌آوری و نظم بخشیدن به تلاش‌ها و نوشته‌های متقدمان کرده اند.

سیر تطور تاریخی «فاصله» قرآنی؛ علی اصغر آخوندی | ۱۰۱

ب. گروه دیگر، علاوه بر جمع آوری و نظم بخشیدن به مطالب گذشتگان، به مناقشه و ترجیح مطالب و اضافه کردن به آن‌ها پرداخته‌اند. مصطفی صادق رافعی (۱۹۳۷ م.) در تاریخ آداب العربی، علی جنیدی در صور البدیع - فن الاسجاع، عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی (۱۹۹۸ م.) در التفسیر البیانی للقرآن الکریم و اعجاز البیانی للقرآن و مسائل نافع بن ازرق، عبدالکریم خطیب (۱۹۸۵ م.) در اعجاز القرآن و الاعجاز فی دراسات السابقین، عبدالعظیم محمد مطعنی (۲۰۰۸ م.) در کتاب خصائص التعبیر القرآنی و سماته البلاغیة، فضل حسن عباس (۲۰۰۱ م.) در الاعجاز القرآن الکریم و محمد سید سلیمان عبد در من صور الاعجاز الصوتی فی القرآن الکریم از این جمله هستند.

ج. گروه سوم، کسانی مانند سید قطب (۱۹۶۶ م.) در فی ظلال القرآن و التصوير الفنی فی القرآن هستند که دروازه‌های جدیدی در زمینه مسائل فاصله از نظر تصویرسازی، موسیقی، آهنگ و... باز کرده‌اند.

تلاش‌های این سه گروه به صورت کتاب‌هایی مستقل و یا در ضمن کتاب‌های مربوط به اعجاز قرآن و علوم قرآنی چاپ شده‌است (ر.ک؛ حسناوی، ۱۴۰۶ ق: ۸۷). در زبان فارسی نیز کتاب تناسب آیات که ترجمه جلد پنجم التمهید فی علوم القرآن از آیت‌الله معرفت (۱۳۸۵) است و نیز دو کتاب هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم و زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع از حسن خرقانی به صورت مفصل به موضوع فاصله نیز پرداخته‌اند و مطالب شایسته استفاده‌ای عرضه کرده‌اند.

۹-۳. تک‌نگاری‌ها

تک‌نگاری‌هایی نیز درباره فواصل در دوران معاصر تألیف شده‌است؛ مانند: الفاصله فی القرآن از محمد حسناوی، الفاصله القرآنیة از عبدالفتاح لاشین، الفواصل از حسین نصار، فواصل الآیات القرآنیة از کمال الدین عبدالغنی مرسی، فواصل الآیات القرآنیة، دراسة بلاغیة دلالية از سیدعلی محمد خضر، و الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة، دراسة فی بیان القرآن الکریم و اعجازه از جمال محمد ابوحسان.

۳-۱۰. تعریف فاصله در دوران معاصر

یکی از موضوعاتی که در کتاب‌های جدید مورد توجه قرار گرفته، نقد تعریف‌های گذشته و بیان تعریف‌های جدید از فاصله است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را در اینجا بررسی و ارزیابی می‌کنیم.

۳-۱۰-۱. تعریف حسناوی

محمد حسناوی ابتدا مانند زرکشی و سیوطی «فاصله» را کلمه آخر آیه، مانند قافیۀ شعر و سجع نثر تعریف می‌کند، سپس آن را با عنوان «تفصیل» توضیح می‌دهد: «توافق پایان آیات در حروف روی یا در وزن است؛ آن گونه که معنی اقتضا می‌کند و جان‌ها با آن آرام می‌شوند» (حسناوی، ۱۴۰۶ ق: ۲۹ و ۱۳۸).

❖ نقد و ارزیابی

تعریف حسناوی، گرچه تا حد زیادی بیانگر فاصله در معنای لفظی آن است، اما دقیق نیست. بر اساس این تعریف، بسیاری از نمونه‌هایی که در کتاب *الفاصله فی القرآن* آمده‌است، مانند جمله‌های پایانی برخی از آیات، از این تعریف خارج می‌شود. همچنین، این پرسش مطرح می‌شود که اگر حروف پایانی آیه‌ای در وزن، یا حرف روی با دیگر آیات (قبل و بعد) توافق و هماهنگی نداشت، آیا نباید برای آن آیه قائل به فاصله بود؟ حسناوی خود از فواصل منفرد که در بعضی سوره‌ها آمده‌است و از حیث حرف روی و وزن، با دیگر آیات توافق ندارند؛ مانند آیات ابتدایی سوره‌های اعراف، ص، مزمل و نصر، و آیات پایانی سوره‌های نجم، انفطار، ضحی و مسد سخن گفته‌است (ر.ک؛ همان: ۱۴۸). آیا حروف پایانی این آیات جزء فواصل نیستند؟ همچنین، آیاتی که از حروف مقطعه تشکیل شده‌اند و کلمه ندارند، آیا فاصله هم ندارند؟ با توجه به این پرسش‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که این تعریف نیز جامع نیست.

۳-۱۰-۲. تعریف ابن‌عاشور

ابن عاشور (م. ۱۳۹۳ ق.) فواصل را این گونه تعریف کرده است:

«کلماتی هستند که حروف پایانی متمائل یا متقارب دارند و نحوه تلفظ آنها نیز مثل یا نزدیک به هم است و به گونه‌ای در سوره تکرار می‌شوند که می‌تواند مثل و نزدیک به هم بودنشان، مقصود از نظم در بسیاری از آیات متمائل قرآنی به حساب آید. این نظم گاهی بیشتر و گاهی کمتر می‌شود» (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ج ۱: ۴۱).

❖ نقد و ارزیابی

این تعریف نیز به دلایلی که در تعریف قبلی گفته شد، تعریف دقیق و جامعی نیست، به ویژه اگر پایان آیه‌ای از نظر حروف روی، یا وزن، یا شکل تلفظ با دیگر آیات سوره (یا با نظم سوره) همگون یا نزدیک نبود (فواصل منفرد)، فاصله بر آن اطلاق نمی‌شود. ابن عاشور در تفسیر *التحریر والتنویر* به زیبایی جملات پایانی آیات را به عنوان فاصله تفسیر کرده است و ارتباط آنها را با متن آیات آشکار ساخته است. طبق این تعریف، آن جملات، فاصله محسوب می‌شوند، یا خیر؟!

۳-۱۱. فاصله، کلمه و جمله آخر آیه

با مطالعه تعریف‌های گذشته به این نتیجه می‌رسیم که عالمان در بیان حد و حدود فاصله و تعریف آن با سختی مواجه بوده‌اند که دلیل آن نیز به تنوع اشکال و تعدد صورت‌های فاصله قرآنی برمی‌گردد که گاهی در شکل کلمه است و گاهی قسمتی از کلمه و زمانی یک جمله کامل. از همین رو، برخی در تعریف خود از هر سه قسم حروف، کلمه و جمله سخن گفته‌اند. برخی از محققان جدید بر این عقیده‌اند که فواصل، کلمات و جملات پایانی آیات هستند. دلیل این سخن نیز آن است که در پایان برخی آیات به جمله یا عبارتی برمی‌خوریم که نقش فاصله را برای آیات خود دارند. قرآن پژوهان معاصر به دلیل تک‌بعدی بودن تعریف‌های علمای گذشته، از قبول آنها اجتناب می‌کنند و در پی تعریفی هستند که جامعیت بیشتری داشته باشد. به همین سبب، در بررسی فواصل و تعریف آن دیدگاه‌های جدیدی را مطرح می‌کنند که به نوعی تفصیل و تفکیک را می‌رساند. به اعتقاد

این گروه، فواصل را باید از جهات گوناگون مانند دلالت، نطق (صوت و موسیقی)، کوتاهی و بلندی آیات و سوره‌ها مورد توجه قرار داد و آن را تعریف کرد. نعیم یافی می‌نویسد:

«تعریف‌های گذشتگان روشن نیست و فایده‌ای به همراه ندارد و به تحقیق‌هایی جدید

نیاز است؛ تحقیقی که به رابطه فاصله با ایقاع و موسیقی بیشتر از آنچه که به تشابه یا

اختلاف بین فاصله و قافیه شعر و سجع می‌پردازد، تأکید کند» (یافی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۶).

همان گونه که در نقد تعریف‌ها آمد، با اینکه صاحبان این تعریف‌ها، فاصله را به «کلمه آخر جمله» یا «کلمه آخر آیه» تعریف کرده‌اند، اما به هنگام استشهاد برای فاصله، جمله کامل را لحاظ کرده، به معنی کل جمله نظر داشته‌اند. به همین دلیل، در بیان حد و حدود معنای فاصله باید از جایگاه آن در جمله پایانی کمک گرفت؛ همان جمله‌ای که «تذیل» یا در حکم تذیل آیه است (ر.ک؛ آیدین، ۱۴۰۹ ق: ۵۴). محقق دیگری فاصله قرآنی را حروف، کلمه یا جمله‌ای می‌داند که آیه به آن ختم شده است و خلاصه آیه در آن وجود دارد (ر.ک؛ سید، ۲۰۰۹ م: ۵۰). دیگری نوشته است: «از تعریفات گذشته روشن شد که فاصله قرآنی همان کلمه پایان آیه است. اما در نگاه ما، فاصله بیشتر از آن است، فاصله کلمه یا جمله آخر آیه است» (حشاش، ۱۴۲۸ ق: ۹۴). سید خضر، قرآن پژوه اردنی نیز به دلیل تفکیک صوت و دلالت، میان «کلمه فاصله» و «جمله فاصله» تفاوت قائل شده است (ر.ک؛ سید خضر، ۱۴۳۰ ق: ۵-۲).

۱۲-۳. اشکال تعریف جامع

به دلیل تنوع و تعدد شکل‌های فاصله در قرآن، تعریف فاصله به گونه‌ای که همه اشکال را پوشش دهد، سخت است. از همین رو، باید از روش تفکیک و تفصیل استفاده شود؛ یعنی حداقل از دو زاویه صوت و دلالت به فواصل توجه کرد. جامع نبودن تعاریف گذشته به دلیل نگاه به فاصله از زاویه لفظ و صوت بوده است، در حالی که بسیاری از نمونه‌های مورد استشهاد، جملاتی است که تعریف شامل آن‌ها نمی‌شود. عامل دیگری که گذشتگان در

تعریف خود سراغ حروف و کلمه فاصله رفته‌اند، آن بود که فواصل را جزئی از علم شمارش و یا قرائت آیات می‌پنداشتند و در آنجا فقط سخن از نطق است، نه دلالت و معنا.

۳-۱۳. تعریف مختار

در سیر تطور تاریخی به این نتیجه می‌رسیم که فاصله قرآنی را باید از دو جهت لفظ و دلالت تعریف کرد. فاصله لفظی، همه آیات قرآن را شامل می‌شود؛ زیرا حتی حروف مقطعه و یا آیات یک کلمه‌ای نیز حرف پایانی دارند که در بیشتر موارد با حروف پایانی دیگر آیات سوره، تامل و تقارب، و از نظر وزن نیز هماهنگی و توافق دارند. همچنین، فواصل منفرد سوره نیز در داشتن حرف پایانی و وزن، تفاوتی با بقیه آیات ندارند. بنابراین، هیچ آیه‌ای از شمول تعریف فاصله از جنبه صوت و نطق خارج نخواهد شد.

اما فاصله دلالتی شامل همه آیات نخواهد بود، حروف مقطعه و آیات یک کلمه‌ای و نیز فاصله آیاتی که یک جمله دارند، معنای دلالتی مستقلی ندارند که بتوان آن را در ارتباط با متن آیه بررسی کرد. در این آیات، حرف یا کلمه آخر، جزئی از تنها جمله آیه خواهد بود و نه فقط از نظر معنا، بلکه حتی از نظر نحوی نیز مستقل نیست. به همین سبب، برای این فواصل نمی‌توان از نظر دلالت معنایی سخن گفت.

بر این اساس، باید آیات را از حیث کوتاهی و بلندی نیز تفکیک کرد. در آیات کوتاه، کلمه آخر آیه استقلال ندارد، اما در آیات طولانی که شامل چندین جمله می‌شود، جمله یا عبارت پایانی آیه، خود از استقلال برخوردار است و نسبت به متن و محتوای آیه نیز وظایفی، از جمله تعلیل، تأکید، توضیح، ترغیب، انکار، نتیجه‌گیری و... دارد. روا نیست این جملات را فقط به خاطر اینکه یکی دو حرف، یا کلمه پایانی آن‌ها با حروف و کلمات دیگر آیات، همگون یا متقارب و هم‌وزن است، مورد توجه قرار ندهیم. نباید به جملات پایانی سوره‌های بلند قرآن، همچون بقره، آل عمران، نساء، مائده و... همان نگاهی را داشت که به حروف و کلمات پایانی سوره‌های کوتاه قرآن داریم. به همین سبب، بر اساس کوتاهی و بلندی آیات، دو نوع فاصله خواهیم داشت. در آیات بلند، فواصلی که از نظر

معنا مستقل هستند و در آیات کوتاه، فواصلی که استقلال معنایی ندارند (ر.ک؛ مطعنی، ۱۴۱۳ ق.، ج ۱: ۲۳۵ و ابوحسان، ۱۴۳۱ ق.، ۷۰-۷۱).
حال با توجه به آنچه گفته شد، بر این باوریم که می‌توان تعریف دقیق‌تری از فاصله ارائه داد:

«فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالی است. از جنبه صوت: فواصل، حروف و کلمه پایانی آیات هستند که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشند و از جنبه دلالت، فواصل، عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیاتند که دارای اهداف خاصی بوده، با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی وثیقی دارند» (ر.ک؛ آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۱ و نیز ر.ک؛ همان، ۱۳۹۵: ۹۶-۸۱).

بدین ترتیب، همه آیات قرآن از فاصله صوتی برخوردار بوده که در بیشتر مواقع، متماثل، متقارب و هم‌وزن هستند و در اندکی موارد نیز با آیات قبل و بعد خود از نظر حرف روی و وزن هماهنگ نیستند. علاوه بر آن، برخی آیات (بیشتر متوسط و طولانی) فاصله‌ای دیگر نیز دارند که به صورت عبارت یا جمله در پایان آن آمده‌اند و با مضمون و محتوای قبل از خود مناسبت و پیوند دارند. این نکته اهمیت دارد که فواصل از هر دو جنبه مورد بررسی و دقت قرار گیرد، تا اعجاز و بلاغت قرآن بیشتر آشکار گردد.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله گفته شد، می‌توان نتیجه زیر را استخراج کرد:
- اولین بار واژه «فاصله» برای فرجام آیات، از سوی سیبویه در *الکتاب* به کار رفته‌است و قبل از آن اثری از این اصطلاح نمی‌یابیم، ولی به صورت رسمی، اولین بار زجاج چندین بار در کتاب خود واژه «فواصل» را در کنار رؤوس آیات به کار برده‌است.
- اصطلاح فاصله برای پایان آیات، اولین بار به وسیله ازهری در کتاب *تهذیب اللغة* معنا شده‌است و همین تعریف از سوی لغویون دیگر تکرار شده‌است. اما تعریف فنی و رسمی آن به وسیله رمانی صورت گرفت و به نوعی اصطلاح فاصله را وی پرداخته و پروراند‌ه‌است و البته این کار به وسیله باقلانی نیز ادامه یافته‌است.

سیر تطور تاریخی «فاصله» قرآنی؛ علی‌اصغر آخوندی | ۱۰۷

- در دوران معاصر، بعضی از نویسندگان مطالب عالمان گذشته را بیان کرده‌اند و برخی نیز علاوه بر نقل آنچه از گذشتگان رسیده‌است، خود نیز به غنای این بحث همت گماشته‌اند. سعی و کوشش معاصران را می‌توان در ضمن کتاب‌هایی که به اعجاز و علوم قرآن پرداخته‌اند، یا به صورت تک‌نگاری مشاهده کرد.

- معاصران به کم‌اثر بودن تعریف‌های گذشتگان معتقد هستند و به تفکیک فواصل از نظر لفظی و دلالتی باور دارند. از همین رو، در میان معاصران، تعریف‌های جدیدی را شاهد هستیم.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Ali Asghar Akhondi



<http://orcid.org/0000-0002-3423-6818>

منابع

آخوندی، علی اصغر. (١٣٩٥). «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی». مطالعات تقریبی
مذاهب اسلامی (فروغ وحدت). ش ٤٤. صص ٨١-٩٦.

_____ . (١٣٩٤). فواصل و چگونگی ارتباط معنایی آن‌ها با آیات. تهران:
دانشگاه تهران.

ابن خالویه، حسین بن احمد. (١٣٦٠). اعراب ثلاثین سورة من القرآن الکریم. قاهره: مطبعة
دار الکتب المصریة.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (بی تا). مقدمه تاریخ. بی جا: بی نا.
ابن درید، محمد بن حسن. (١٩٨٧ م.). جمهرة اللغة. بیروت: دار العلم للملایین.
ابن عاشور، محمد بن طاهر. (١٩٨٤ م.). التحریر و التنویر، تحریر المعنی السدید و تنویر العقل
الجدید من تفسیر الکتاب المجید. تونس: الدار التونسیة للنشر.

ابن فارس، احمد بن فارس. (١٣٩٩ ق.). معجم المقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (١٤١٤ ق.). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
ابو حسان، جمال محمود. (١٤٣١ ق.). الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة. عمان: دار
فتح.

ابوعبیده، معمر بن مثنی. (١٣٨١ ق.). مجاز القرآن. قاهره: مکتبة الخانجی.
ازهری، محمد بن احمد. (٢٠٠١ م.). تهذیب اللغة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
باقلانی، محمد بن طیب. (١٩٩٧ م.). اعجاز القرآن. قاهره: دار المعارف.
بدوی، احمد بن احمد. (٢٠٠٥ م.). من بلاغة القرآن. قاهره: نهضة مصر.
بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن. (بی تا). الف. الإعجاز الیسانی للقرآن و مسائل ابن السارزق
دراسة قرآنیة و بیانیة. ج ٢. قاهره: دار المعارف.

_____ . (بی تا). ب. التفسیر الیسانی للقرآن الکریم. ج ٧. قاهره: دار

المعارف.

- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر. (١٤١٦ ق.). الحيوان. بيروت: دار الجليل.
- _____ . (١٤٢٣ ق.). البيان والتبيين. بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- جرجاني، عبد القاهر. (١٤١٧ ق.). شرح رسالة الرمانى فى إعجاز القرآن. قاهره: دار العلوم - دار الفكر العربى.
- حسناوى، محمد. (١٤٠٦ ق.). الفاصلة فى القرآن. بيروت: المكتب الإسلامى.
- حشاش، موسى مسلم. (١٤٢٨ ق.). الإعجاز البيانى فى الفاصلة القرآنية (دراسة تطبيقية على سورة النساء). غزة: الجامعة الإسلامية.
- خرقانى، حسن. (١٣٨٠). هماهنگى و تناسب در ساختار قرآن كريم. تهران: نشر قلمرو.
- _____ . (١٣٩٢). زيباشناسى قرآن از نگاه بدیع. مشهد: دانشگاه علوم اسلامى رضوى.
- خضر، سيد. (١٤٣٠ ق.). الفواصل القرآنية دراسة البلاغية. بی جا: مكتبة الآداب.
- خطيب، عبد الكريم. (١٣٩٥). إعجاز القرآن فى دراسة كاشفة لخصائص البلاغية و معاييرها (الإعجاز فى مفهوم جديد). ج ٢. بيروت: دار المعرفة.
- دانى، عثمان بن سعيد. (١٤١٤ ق.). البيان فى عد آى القرآن. كويت: مركز المخطوطات والتراث.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد. (بى تا). معجم مفردات الفاظ القرآن. بی جا: دار الكاتب العربى.
- رافعى، مصطفى صادق. (بى تا). تاريخ آداب العرب. ج ٨. بيروت: دار الكتاب العربى.
- رمانى، على بن عيسى. (١٣٨٧ ق.). النكت فى اعجاز القرآن؛ فى ثلاث رسائل فى إعجاز القرآن. ج ٢. قاهره: دار المعارف.
- زجاج، ابراهيم بن سري. (١٤٠٨ ق.). معانى القرآن و إعرابه. بيروت: عالم الكتاب.
- زر كشى، محمد بن عبد الرحمن. (١٤١٥ ق.). البرهان فى علوم القرآن. ج ٢. بيروت: دار المعرفة.

- سیویه، عمروین عثمان. (بی تا). *الكتاب*. بی جا: بی نا.
- سید قطب، ابراهیم حسین. (بی تا). *التصویر الفنی فی القرآن*. ج ١٦. قاهره: دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین. (بی تا). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دار الجیل.
- صغیر، محمدحسین. (بی تا). *الصوت اللغوی فی القرآن*. بیروت: دار المورخ العربی.
- طبری، محمدبن جریر. (١٤٢٠ ق.). *جامع البیان فی تأویل القرآن*. بی جا: مؤسسه الرساله.
- عباس، فضل حسن. (١٩٩١ م.). *إعجاز القرآن الکریم*. عمان: بی نا.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (١٤١٩ ق.). *الصناعتین: الكتابة والشعر*. بیروت: المكتبة العنصریة.
- فراء، یحیی بن زیاد. (بی تا). *معانی القرآن*. قاهره: دار المصریة للتألیف والترجمة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). *كتاب العین*. قم: انتشارات هجرت.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (١٤٢٦ ق.). *القاموس المحیط*. ج ٨. بیروت: مؤسسه الرساله.
- لاشین، عبدالفتاح. (١٤٠٢ ق.). *من اسرار التعبير القرآن، الفاصلة القرآنیة*. ریاض: دار المریخ للنشر.
- مرسی، کمال الدین عبدالغنی. (١٤٢٠ ق.). *فواصل الآیات القرآنیة*. اسکندریة: المكتب الجامعی الحدیث.
- مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد. (١٤١٣ ق.). *خصائص التعبير القرآنی و سماته البلاغیة*. بی جا: مكتبة وهب.
- معرفت، محمدهادی. (١٣٨٦). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه تمهید، ذوی القربی.
- نصار، حسین. (١٩٩٩ م.). *الفواصل*. قاهره: مكتبة مصر.
- یافی، نعیم. (١٤٠٤ ق.). «قواعد تشکّل النغم فی الموسیقی». *التراث العربی*. ش ١٥ و ١٦. ص ١٤٦.

References

- Abbas, Fazl Hasan. (1991). *Ejaz al-Quran el-Karim*. Omman: OP. [In Arabic].
- Abohasan, Jamal Mahmoud. (2010). *Delalat al-Ma'navyyah Le-Favasel al-Ayat al-Quraniyah*. Omman: Dar Fath. [In Arabic].
- Abo Obaidah, Moammad ibn Mosanna. (1996). *Majaz al-Quran*. Cairo: Al-Khanji School. [In Arabic].
- Akhoundi, Ali Asghar. (2015). "Comparative Study of Qur'anic Distance Definitions". *Motaleat-e Taghribi Mazaheb-e Eslami (Forough-e Vahdat)*. No. 44. Pp. 81-96. [In Persian].
- .(2014). *Intervals and How They are Semantically Related to the Verses*. Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Azhari, Mohammad ibn Ahmad. (2001). *Tahzib al-Loghat*. Beirut: Dar Ehya al-Toras al-Arabi. [In Arabic].
- Baghelani, Mohammad ibn Tayyeb. (1997). *Ejaz al-Qur'an*. Cairo: Dar al-Ma'aref. [In Arabic].
- Badavi, Ahmad Ahmad. (2005). *Men Balaghat al-Qur'an*. Cairo: Nehzat al-Mesr. [In Arabic].
- Bent al-Shati, Ayesha Abd al-Rahman. (ND). a. *Ejaz al-Bayani Lel-Qur'an va Masael-e Ibn al-Arzhough; Derasat Qur'aniyat va Bayani*. 2th. Cairo: Dar al-Ma'aref. [In Arabic].
- . (ND). b. *Tafsir al-Bayani Lel-Qur'an al-Karim*. 7th. Cairo: Dar al- Ma'aref. [In Arabic].
- Dani, Osman ibn Saied. (1993). *Al-Bayan fi Add-e Ayya al-Qur'an*. Kuwait: Center of Manuscripts and al-Toras. [In Arabic].
- Farra, Yahya ibn Ziyad. (ND). *Ma'ani al-Qur'an*. Cairo: Dar al-Mesryyaht le-Talif va al-Tarjomeh. [In Arabic].
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (ND). *Ketab al-Aein*. Qom: Hejrat Institute. [In Persian].
- Firozabadi, Mohammad ibn Yaghoub. (2005). *Qamous al-Mohiet*. 8th. Beirut: Al-Risalah Institute. [In Arabic].
- Hosnavi, Mohammad. (1985). *Al-Fasilah fi al-Qur'an*. Beirut: Al-Maktab al-Islami. [In Arabic].
- Hashash, Mousa Moslem. (2007). *Al-Ejaz al-Bayani fi al-Fasilat al-Qur'aniyat (Comparative Study of Surat al-Nisa)*. Gazza: Jame'at al-Eslamiyat. [In Arabic].

- Ibn Khalawayh, Hossein ibn Ahmad. (1981). *Erab-e Salasin-a Surat men al-Qur'an al-Karim*. Cairo: Dar al-Kotob al-Mesriiya Press. [In Arabic].
- Ibn Khaldoun, Abd al-Rahman ibn Mohammad. (ND). *Moghadameh al-Qur'an*. NP: Op. [In Arabic].
- Ibn Doraid, Mohammad ibn Hasan. (1987). *Jamharat al-Loghat*. Beirut: Dar al-Elm Lel-Malaein. [In Arabic].
- Ibn Ashour, Mohammad ibn Taher. (1984). *Al-Tahrir va al-Tanwir, Tahrir al-Ma'ni al-Sadid va Tanwir al-Aqhl al-Jadid men Tafsir al-Ketab al-Majid*. Tunisia: al-Dar al-Tunesia Lel-Nashr. [In Arabic].
- Ibn Fares, Ahmad ibn Fares. (1979). *Mu'jam al-Maqhaeis al-Loghat*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Ibn Manzour, Mohammad ibn Mokarram. (1993). *Lesan al-Arab*. Beirut: Dar Sader. [In Persian].
- Jahez, Abo Osman Amr ibn Bahr. (1995). *Al-Hayavan*. Beirut: Dar al-Jil. [In Arabic].
- . (2002). *Al-Bayan va al-Tabien*. Beirut: Dar and al-Helal School. [In Arabic].
- Jorjani, Abd al-Qaher. (1996). *Sharh-e Resalat al-Rommani fi Ejaz al-Qur'an*. Cairo: Dar al-Oloum & Dar al-Fekr al-Arabi. [In Arabic].
- Kharaghani, Hassan. (2001). *Harmony and Proportion in the Structure of the Holy Qur'an*. Tehran: Ghalamrow Publishing. [In Persian].
- . (2012). *Aesthetics of the Qur'an from Figures of Speech's Perspective*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. [In Persian].
- Khezr, Seyyed. (2009). *Favasel al-Qur'aniya; Derasat al-Balaghiyah*. Np: Maktabat al-Adab. [In Arabic].
- Khatib, Abd al-Karim. (2015). *Ejaz al-Qur'an fi Derasat-e Kashefat Le-Khasaes al-Balaghiyat va Ma'aeereha (Al-Ejaz fi Mafhoum-e Jadid)*. 2th. Beirut: Dar al-Marafah. [In Arabic].
- Lashin, Abdal Fattah. (1981). *Men Asrar al-Tabir al-Qur'an, al-Fasilat al-Qur'an*. Riyaz: Dar Al-Merrikh Le-Nashr. [In Arabic].
- Morsi, Kamaluddin Abdal Ghani. (1999). *Favasel al-Ayat al-Qurani*. Alexandria: Al-Maktab al-Jame al-Hadith. [In Arabic].
- Mot'ani, Abdalazim Ibrahim Mohammad. (1992). *Khasaes al-Tabeir al-Qur'ani va Semateh al-Balaghiyah*. NP: Wahab Maktabah. [In Arabic].

- Marefat, Mohammad Hadi. (2007). *Tamhid fi Oloum al-Qur'an*. Qom: Tamhid Institute & Zawi al-Qorba. [In Persian].
- Nassar, Hossein. (1999). *Al-Favasel*. Cairo: Mesr Maktabah. [In Arabic].
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad. (ND). *Mu'jam al-Mofradat-e Alfaz-e al-Qur'an*. Np: Dar al-Kateb al-Arabi. [In Arabic].
- Rafe'i, Mostafa Sadegh. (ND). *Tarikh-e Adab al-Arab*. 8th. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi. [In Arabic].
- Rommani, Ali ibn Isa. (1997). *Al-Nokat fi Ejaz al-Qur'an; fi Salas-e Rasael fi Ejaz al-Qur'an*. 2th. Cairo: Dar al-Ma'aref. [In Arabic].
- Saibaweyh, Amr ibn Othman. (ND). *Al-Ketab*. Np: Op. [In Arabic].
- Seyyed Qutb, Ebrahim Hossein. (ND). *Tasvir al-Fanni fi al-Qur'an*. 16th. Cairo: Dar al-Shorooqh. [In Arabic].
- Seyouti, Jalaluddin. (Nd). *Al-Etghan fi Oloum el-Qur'an*. Beirut: Dar al-Jil. [In Arabic].
- Saghir, Mohammad Hossein. (ND). *Al-Sawot al-Loghavi fi Qur'an*. Beirut: Dar al-Movarrakh al-Arabi. [In Arabic].
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. (1999). *Jame al-Bayan fi T'aviil al-Qur'an*. Beirut: Al-Risalah Institute. [In Arabic].
- Yafi, Nae'em. (1983). "Ghava'ed al-Tashakkol al-Negham fi al-Mosighi". *Toras al-Arabi*. No. 15-16. P. 146. [In Arabic].
- Zajjaj, Ibrahim ibn Serri. (1987). *Ma'ani al-Qur'an va Eerabehi*. Beirut: 'Alam al-Ketab. [In Arabic].
- Zarakshi, Mohammad ibn Abd al-Rahman. (1994). *Al-Borhan fi Oloum el-Qur'an*. 2th. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].

استناد به این مقاله: آخوندی، علی اصغر. (۱۴۰۱). سیر تطور تاریخی فاصله قرآنی، دوفصلنامه علمی سراج منیر، ۱۳(۴۴)، ۸۷-۱۱۳.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.66875.1815



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.